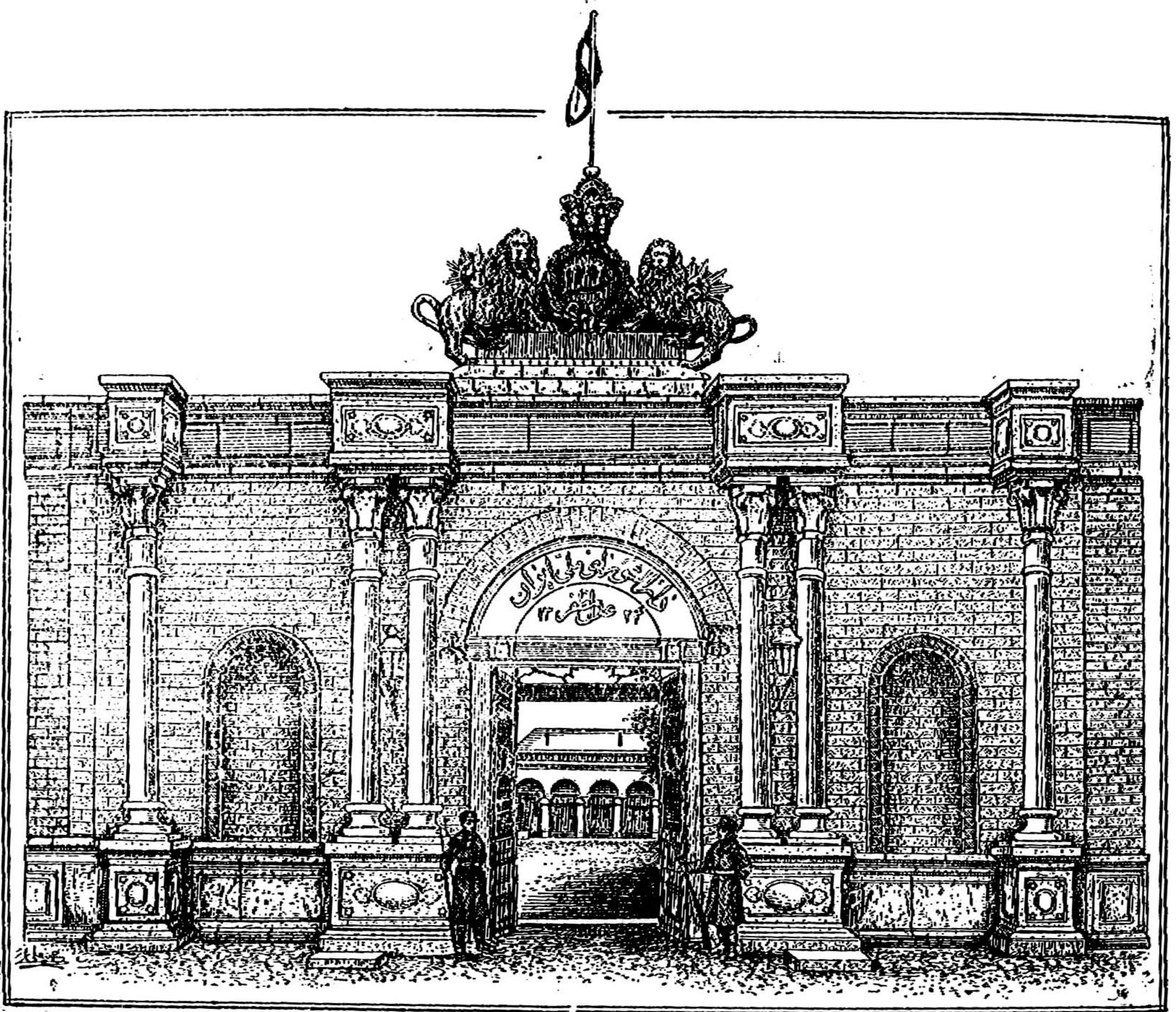


<p>جلسه ۴۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ششم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۰ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۷ جدی الثاني ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران ساليانه ده تومان خارج « دوازده تومان » قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	شوردر خبر کمیسیون بودجه راجع بالفای مالیاتهای صنفی و مالیات سر شماری و تصویب قانون مزبور	۱۰۴	۱۰۹
۲	سؤال آقای یاسائی راجع بانتخابات استر اباد و جواب آقای معاون وزارت داخله	۱۰۹	۱۱۲
۳	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع راجع بفروش بنزین در شهرها و محبوسین نظمیة و جواب آقای معاون وزارت داخله	۱۱۲	۱۱۳
۴	سؤال آقای امیر حسینخان راجع بانتخابات کردستان و جواب آقای معاون وزارت داخله	۱۱۳	۱۱۵
۵	بقیه شور اول در طرح قانون بلدی از ماده ۴۶ الی آخر طرح	۱۱۵	۱۱۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه یکشنبه ۲۰ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۷ جمادی الثانیة ۱۳۴۵

جلسه ۴۰

رئیس -- نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟ (اظهاری

نشد) صورت مجلس تصویب شد

رئیس -- خبر کمیسیون بودجه راجع بمالیاتهای صنفی مطرح است

(مجلس دوساعت و یکربع قبل ازظهر ریاست

آقای ندین تشکیل گردید.)

(صورت مجلس پنجشنبه هفدهم آذرماه را

آقای ضیاء قرائت نمودند)

ماده اول قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)
ماده اول - مجلس شورای ملی کلیه مالیاتهای صنفی را اعم از شهر و قصبات و قراء و ایلات (مطابق صورت منضمه و غیر آن بهر اسم و رسم) از اول سال ۱۳۰۶ ملغی مینماید و دولت مکلف خواهد بود این مالیات را از دفاتر دولتی حذف نماید.

تبصره - وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای سنواتی اصناف صرف نظر نموده و مطالبه نماید
رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده بطوری که در شور اول و شور دوم هم پیشنهاد کردم مخالفم با اینکه تاریخ از اول سال باشد برای اینکه اساساً يك قسمت از این مالیاتها (بطوریکه آروز هم عرض کردم) در سنوای خیلی قبل شاید يك صورت مالیاتی داشته و يك صنفی بوده اند که میتوانستند این مالیاتها را بپردازند ولی حالیه آنها بتدریج از بین رفته اند و اشخاصی هم که باقی مانده اند نمیتوانند مالیات يك عده را که از بین رفته اند بپردازند و استطاعت ندارند که از عهده برآیند يك قسمت دیگر هم هست که مالیات نیست و در واقع يك جرائمی بوده است که در دوره های استبداد بعنوان مختلفه گرفته میشده و بنده صورت آنها را که دیدم واقعاً مخالف شون مجلس میدانم که ضمناً تصدیق بکنند يك همچو جرائمی سه ماه دیگر هم از مردم گرفته شود و عقیده بنده بهمان پیشنهادی است که تقدیم کرده ام و معتقدم از تاریخ تصویب این قانون مالیاتهای صنفی بهر اسم و رسمی که هست ملغی شود ولی يك ماده هم باین خبر کمیسیون اضافه شده است راجع بر شماری و برای اینکه دولت هم بمضيقه نیفتد بنده عقیده ام این است و پیشنهاد هم میکنم که تجزیه میشود یعنی مالیاتهای صنفی از تاریخ تصویب و مالیات بر شماری از اول سنه ۱۳۰۶ ملغی شود.

رئیس - ماده دوم راجع بالغاء مالیات بر شماری

است و ماده اول راجع بمالیات صنفی و از هم مجزی است .
آقای بیات :

مرتضی قلیخان بیات - در این موضوع مذاکراتی در کمیسیون بودجه شد و پیشنهادی هم در آنجا شد که مطرح مذاکره واقع گردید ولی دولت در نظر داشت این قسمت را از اول سال مجری دارد و آنچه هم اعضاء کمیسیون راجع باین موضوع اظهار داشتند دولت اظهار مخالفت میکرد و عقیده شان این بود که برای اینکه حساب امسال و سال آتی بی ترتیب نشود بهتر این است این دوسه ماهه را هم دریافت دارند و از اول سال اخذ این مالیات را موقوف بپردازند قسمت قبل را هم یعنی آن بقایائی که هست بکلی موقوف کرده اند و تبصره ای هم نوشته شده است که بموجب آن از قسمت بقایا چیزی مطالبه نخواهند کرد و از حیث امسال هم نظر دولت این بوده که از اول سال باشد بهتر است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهاد جمعی از آقایان (بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم : از تاریخ تصویب قانون ملغی شود .
محدولی - اسکندری ثقة الاسلامی میر ممتاز - فرشی .

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - این مسئله در جلسات اسبق مجلس مخصوصاً طرف توجه آقایان نمایندگان بود و خیلی هم در اطرافش بحث شد ولی حالا اگر در کمیسیون این قضیه با حضور دولت مطرح بوده است ممکن است آقای مخبر برای استحضار نمایندگان بفرمایند به بدینیم مالیه تا کنون چه مبلغ از این مالیاتهای صنفی را بحیطه وصول در آورده؟ بعقیده بنده و بطوری که شخصاً هم اطلاع دارم در این مدت ده ماهی که از سال میگذرد از مالیاتهای صنفی چیزی باقی نمانده یعنی متداولاً طوری است که اداره مالیه چه در ولایات و چه در مرکز مالیاتهای صنفی را نمیگذارد باقی نماند و بعقیده بنده قسمت اعظم مالیاتهای صنفی در ولایات بحیطه وصول در آمده است و ممکن است آنقدری هم که باقی مانده از حیث کمیت خیلی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم . قسمت ۱۸ باز در صورت منضمه ذکر بشود .

رئیس - بفرمائید

مفتی - عرض کنم در نتیجه توضیحاتیکه در جلسه گذشته راجع بقسمت مالیات سقز و بانه عرض کردم قرار شد بنده پیشنهادی بکنم و برود در کمیسیون و در آنجا در اطرافش مذاکراتی بشود ولی متأسفانه در کمیسیون عوض اینکه يك توضیحاتی راجع به پیشنهاد بنده بدهند قسمت هیجده را هم حذف کرده اند و بنده ناچارم باز توضیح بدهم عرض کردم در قصبه سقز و بانه يك مالیات صنفی معمول بود است و بعد از اینکه آن اصناف از بین رفته اند اداره مالیه این مالیات را تقسیم کرده است بر اهالی قصبه و این مالیات را از اصناف میگیرند، از تخار میگیرند، از مالکین هم میگیرند و حالا هم چون عنوان این لایحه مالیات صنفی است اگر زکری از این قسمت نشود باز مالیه فشار میآورند و آن مالیات را میخواهند وصول کنند، این بود که بنده این پیشنهاد را کردم حالا اگر در این خصوص يك اطمینانی بدهند یعنی دولت و وزارت مالیه اطمینان بدهند که مالیات قصبه سقز و بانه هم مشمول این قانون است و این مالیاتهای صنفی که لغو شد مالیات سقز و بانه هم ملغی میشود بنده پیشنهاد خود را مسترد میکنم، چون این هم مالیات شخصی است، مالیاتی که از اشخاص گرفته میشود یا مالیات صنفی است یا سرانه و مالیاتی هم که در سقز و بانه گرفته میشود این دو قسم است، حالا که میخواهند این دو مالیات را ملغی کنند ترتیبی بکنند که مالیات آنجا هم ملغی شود.

رئیس - آقای رفیع
حاج آقا رضا رفیع - بنده مجبورم عرض کنم که کمیسیون بودجه یعنی چه؟
مجلس شش شعبه دارد و از هر شعبه ای سه نفر از اشخاصی که طرف اعتماد آقایان هستند معین میشوند و میروند در آنجا . این دلسوزیهائی که آقایان دارند آنها هم دارند آنها هم وکیل هستند حرارتهائی هم که در آنجا ابراز میشود ده یکش در مجلس نمیشود و آنچه هم که لازم است در آنجا گفته میشود بعد بیک مشکلاتی بر میخورند و بکامه را تنظیم میکنند و میآورند . مجلس بنده از آقایان خواهش میکنم اگر میخواهند این مالیات از بین برود همین ماده را بگذارند بگذرد برای اینکه تمام این مذاکرات در کمیسیون شده است و الا معطل میباید

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقایان شریعت زاده فرمند و فهیمی هم دیگر مورد ندارد . پیشنهاد آقای مفتی

و مالیاتش هم حذف شده است

یک نفر از نمایندگان - از اول سال حذف میشود. مخبر - بی از اول سال حذف میشود. و اما اگر مالیات مالکین کردستان را بر حسب آن صیغه که آنجا نوشته شده بود و آقای وکیل الملک در آن دوره اظهار کرده بودند میخواهند لغو بکنند و آقایان هم بیک همچو پیشنهادی رای میدهند بنده نمیدانم، و البته بسته بنظر مجلس است ولی بنده تصور میکنم ماحالاً الغاء مالیات ملکي نمیکنیم. ما مالیات صنفی را الغاء میکنیم.

رئیس - رای میگیریم.

مفتی - بنده توضیحی دارم. مقصود بنده این بود که یک تذکری راجع باین قسمت بدهم. پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فرهمند.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم: تبصره ماده اول باین ترتیب نوشته شود

تبصره - وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای سنوائی اصناف از اول سال ۱۳۰۶ و اشخاص بی بضاعت از تاریخ تصویب این قانون صرف نظر نموده و مطالبه ننمایند.

رئیس - آقای فرهمند: توضیح بدهید.

میرزا حسنخان فرهمند - عرض کنم مقصود بنده از این پیشنهاد این بوده که در این ماده مینویسد: وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای سنوائی اصناف صرف نظر نموده و مطالبه نمایند این در صورتی است که از تاریخ تصویب الغاء شود ولی اینجا سه ماه فرصت برای مطالبه و وصول بقایای سنوائی هست

بنا بر این بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که لا اقل اشخاصی که بی بضاعت هستند و ندارند و نمی توانند بدهند در اینجا توضیحی داده شود که مامورین مالیه در این

سه ماه از آنها مطالبه نکنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده قدری خاطر نمایندگان محترم را توجه میدهم باین لایحه. ما يك فشار فوق العاده در کمیسیون بدولت وارد آورده ایم و يك ترتیبی واقع شد که که حقیقه وزیر مالیه گفت با این ترتیبات گمان نمیکم دولت موفق بشود بودجه ۱۳۰۶ را تنظیم کند. ملاحظه بفرمائید دو ماده اینجا است که هم مالیات صنفی و هم مالیات سرانه از بین خواهد رفت (اگر آقایان بگذارند) شما را بخدا قسم میدهم بگذارید این لایحه بگذرد. سه هزار سال چهار هزار سال مردم گرفتار شکنجه این مالیات بوده اند این سه ماه دیگر هم از بین نمیروند و نابود نمیشوند. بنده نمیخواهم جریبان کمیسیون بودجه را عرض کنم که اگر يك فشار دیگری می آمد بکلی لایحه از بین میرفت پس خوب است يك اندازه آقایان موافقت بفرمایند که این دو ماده بگذرد. خودتان مامورین مالیه را می شناسید. اگر تبصره را باین وضعی که شما میفرمائید تصویب کنیم برای دولت ابدا فائده ندارد. این تحصیلدارها همان حکایت نازی فلان است. هر کجا منافعشان باشد میگویند این شخص ضعیف است و هر کجا منافعشان نباشد میگویند اینها گردن کلفتند. تصدیق بکنید که نفعی برای آن بیچاره ها هم ندارد غیر از اینکه این پیشنهادها اسباب تأخیر در گذشتن این لایحه میشود، این است که بنده استدعا میکنم مجلس با يك روی گشاده و قیافه بازی این ماده را استقبال کنند و رای بدهند.

مخبر - اساساً تبصره میگوید: ما از حالا بقایای سنوائی را نمیگیریم. اقا از اول ۱۳۰۶ پیشنهاد کردند؟ تصور میکنم پیشنهاد آقا بر خلاف منظور است.

رئیس - رأی گرفته میشود...

فرهمند - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای عدل.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم:

در بین الهالین ماده اول علاوه شود: اعم از آنکه از قدیم در دفاتر دولتی ثبت یا جدیداً بر خلاف قانون معمول شده.

رئیس - آقای عدل

میرزا یوسفخان عدل - عرض میشود. این مالیاتها دو جور است یکی مالیاتهای است که از قدیم معمول بوده و در دفاتر دولتی هم بوده و هست و یکی هم بعضی چیزهایی است که اخیراً علاوه کرده اند و از اصناف بعنوان مختلفه میگیرند. مثلاً در تبریز معمول شده است دولت کندم را بجزایز میدهد چهارده تومان در صورتی که ده دوازده تومان است. بعلاوه يك پنجهزار هم بعنوان اداره ارزاق میگیرند. بعلاوه يك تومانی بکعباسی هم هم میگیرند وقتی سؤال میکنند که اینها مالیات است؟ میگویند خیر. برای مخارج اداره ارزاق است. اینها را اسم مالیات هم روش نمیگذارند. بنده سابق هم با آقای مخبر تذکر داده بودم که باید طوری این قانون را نوشت که گرفتن این عوارض هم موقوف شود ایشان فرمودند قبول می کنم بعد گویا در کمیسیون قبول نشده. حالا هم مقصود بنده از این پیشنهاد تذکر است اگر این عوارضی که عرض کردم در جزء این لفظ (بهر اسم و رسم) ملغی میشود بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم و الا اگر باقی بماند باز همان آتش است و همان کاسه.

مخبر - اینکه آقای فرهمند در اظهارات خودشان فرمودند که سابق يك مالیاتهای بدون تصویب مجلس گرفته میشده است و آنها را بر خلاف تصویب مجلس جلوه دادند اینطور نیست. مجلس همه ساله در جزو بودجه مملکتی درستون عایدات يك عایداتی را تصویب میکرده است که منجمله مالیات صنفی بوده است و هیچ مقامی

هم صلاحیت نخواهد داشت که بدون تصویب مجلس مالیات بگیرد که حالا شما میخواهید مالیات بر خلاف قانون را مجلس لغو کند مالیات بر خلاف قانون را اصلاً حق ندارند بگیرند تا اینکه مجلس لغو کند. مجلس اصلاً نباید همچو چیزی را بشناسد. و این پیشنهاد آقا هم بعقیده بنده اگر مضر نباشد مفید نخواهد بود این است که تقاضا می کنم پیشنهاد خود را استرداد بفرمایند.

میرزا یوسفخان عدل - استرداد می کنم مقصودم تذکر بود.

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده اول اضافه می کنم: تبصره - وزارت مالیه مکلف است از اشخاصی که عدم بضاعت آنان را موثقین محلی تصدیق نمایند از بابت ۱۳۰۵ نیز مالیات مزبور را مطالبه نمایند.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده با توجه باینکه اکثریت مجلس شورای ملی سعی دارند که این قانون زودتر بگذرد این پیشنهاد را کردم و لازم میدانم توجه آقایان محترم را بعقاید خودم در این موضوع جلب کنم. بنده خیلی تقدیس میکنم احساسات نمایندگان محترم را که کمال سعی را در لغو شدن این مالیات دارند و همین علاقه موجب شده است که میخواهند بنواقصی که در این لایحه مشهود میشود اهمیت ندهند. البته از این حیث که از اکثریت نمایندگان احساس میشود که میخواهند این بلای خیلی تأثر آور را از اهالی رفع کنند خیلی مورد تقدیس است ولی يك قسمت از مسائل هست که عرض آن بنظر بنده در مجلس شورای ملی خیلی اهمیت دارد. در این قانون نوشته شده است که مالیاتهای صنفی از اول سنه ۱۳۰۶ لغو میشود البته تصدیق خواهید فرمود که خود این اجازه به کیفیتی تنظیم شده که اجازه میدهد مأمورین وزارت مالیه که

بدون رعایت هیچ قسم از خصوصیات قانونیه که نلی ای حال باعث معافیت است عملیات شدید خود را بر علیه بعضی افراد بی بضاعت اجراء کنند. در صورتیکه از نقطه نظر اصول هر کس هر دینی را که داشته باشد وقتی مفلس باشد مصون از تعرض است و باید در سایه حمایت قانون مصون باشد ولی متأسفانه مأمورین مالیه این مطلب را رعایت نمیکنند - من باب مثل يك موردش را عرض میکنم در محبس نظامیه بار فروش يك عده از دست فروشها (که حداقل زندگانی خودشان را اعمال آنها نمیتواند نتیجه بدهد یعنی هر قدر زحمت بکشند حد اقل زندگانی آنها بدست نمی آید) در توقیف هستند. بعقیده بنده بهتر این است که هم نظر آقایان که البته قابل تقدیس است و عقیده دارند این مالیات از اول حمل ۱۳۰۶ لغو شود بعمل بیاید و هم در عین حال نسبت بیک اشخاصیکه در توقیف هستند يك توجهی شود. مالیات صنفی بار فروش را که همیشه صد و پنجاه تومان بود در شصت و دو تومان بیک دباغی که معروف به شرارت است اجاره داده اند و قوه نظامی هم باو داده اند. الان پانزده نفر در محبس هستند و بعضی از آقایان هم که پیشنهاد میکنند نمیتوانند توجه آقایان را جلب کنند که این پیشنهاد منافی با نظر ایشان نیست البته از اول حمل ۱۳۰۶ باید لغو شود و مباحثات در این موضوع هم نباید زیاد بشود ولی این اشخاصی که فعلاً در محبس هستند و مأمور مالیه هم با اصول قانون آشنا نیست که يك آدم مفلس را مصون از تعرض بدانند راجع باین اشخاص باید يك فکری کرد که اگر موثقین محلی گفتند ندارد مصون از محبس باشد استدعا میکنم پیشنهاد هم ثانیاً قرائت بشود و آقایان توجه فرمایند.

مخبر - بمناسبت تمام دلائلی که نماینده محترم شرح دادند مجلس شورای ملی تصمیم گرفت يك همچو مالیات ظالمانه را لغو کند. اگر همین چیزهایی که ایشان فرمودند در کار نبود اساساً میگفتم مملکت مالیات میخواهد و مملکت خرج دارد و ملت هم باید مالیات بدهد ولی ما دیدیم این مالیات

ظالمانه همین نتایج و خیمه که نماینده محترم اظهار فرمودند بر او مترتب است. بنا بر این کفتم باید لغو شود بعد هم در اطراف يك همچو طرح قانونی با مشارکت دولت مذاقه و شور کامل بعمل آمد. نماینده دولت و رئیس کل مالیه هم در کمیسیون حاضر شدند و آنچه لازم بود گفته شد شما الان در اواخر سال ۱۳۰۵ ملاحظه میفرمائید يك مقدار زیادی از عواید دولت کاسته شده و با این کسر عواید اگر دولت بتواند در نتیجه يك اضافاتی که در بودجه خودش از حیث صرفه جوئی و غیره تأمین کرده است يك موازنه در بودجه ۱۳۰۵ خودش قرار بدهد کار بزرگی کرده است و باید از اول ۱۳۰۶ کمیسیون بودجه با موافقت و مشارکت دولت يك مخارج زیادی را از بودجه مملکتی بکاهد تا اینکه با این الغاء مالیاتها که ما داریم تصویب میکنیم بودجه مملکتی از موازنه خارج نشود. نماینده محترم میفرمایند يك عده حبس اند اساساً مالیه حق حبس کردن کسی را ندارد شما در ضمن الغاء مالیات صنفی میخواهید تمام عملیات مالیه را بموجب يك تبصره ها و پیشنهاد ها اصلاح کنید. محال است. مالیه يك عده زیادی را حبس میکنند. مالیه در ولایات مالیاتها بی اساس میگیرد مالیه بقول آقای فومنی که اینجا فریادشان بلند شد نسبت بملاکین هم تعدی میکند. پس هر کدام از آقایان هر موضوعی را نسبت بمالیه در نظر دارند در ضمن الغاء مالیاتها صنفی باید يك تبصره یا يك ماده پیشنهاد کنند اینها هیچ بهمدیگر ارتباطی ندارد. اساساً مالیه حق ندارد کسی را حبس کند هیچ مقام دولتی نیست و چهار ساعت بیشتر حق ندارد کسی را توقیف بکند هر کس هم حبس کرده است باید استیضاحش کنید. برای حبس کردن اداره مالیه نباید شما يك تبصره را پیشنهاد کنید و يك قانونی را بگذرانید!!

دولت کسی را نمیتواند حبس کند بدون اینکه محکمه رسمی تقصیرش را در ظرف ۲۴ ساعت باو اخطار کرده باشد، در این صورت شما میخواهید برای جلوگیری از حبس در ضمن الغاء مالیات صنفی قانون بگذرانید؟

این يك قانونی است برای رفاهیت بکمه از مردم و استدعا میکنم آقایان موافقت فرمائید که زودتر بگذرد.

رئیس - رای میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد، رای گرفته میشود بماده اول بضمیمه تبصره آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، ماده دوم قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - وزارت مالیه مکلف است که مالیات سرشماری (سرانه) که از اشخاص گرفته میشود و الغای آن موکول باجرای قانون ممیزی املاک اربابی مصوبه ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴ گردیده از ابتدای سنه ۱۳۰۶ موقوف المطالبه نموده از دفاتر دولتی حذف کند

رئیس - آقای فرهمند با این ماده مخالفید فرهمند - خیر.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای بیات

مرآتضی قلیخان بیات - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

یکی دو نفر از نمایندگان - مخالف ندارد

رئیس - رای گرفته میشود بماده دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است.

مخالفی دارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - رای گرفته می شود باین قانون که مشتمل بر دو ماده است بضمیمه تبصره و صورت منضمه باورقه (اوراق رای توزیع و اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - اخذ آراء تمام شد (تعداد اوراق رای شروع و (۹۵) ورقه سفید شماره شد)

رئیس - عده حصار ۹۶ با کثرت ۹۵ رای تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - سؤالی داشتم از وزارت داخله راجع بانتخابات استرآباد اگر آقای معاون برای جواب حاضرند عرض کنم.

رئیس - فرمائید.

یاسائی - انتخابات استرآباد مانند انتخابات سایر نقاط هشت نه ماه قبل شروع شده در همان اوان با يك سرعتی که غالب نقاط انتخاباتش جریان داشت انتخابات آنجا هم جریان داشت. انجمن مطابق قانون تشکیل شد - توزیع تعرفه و اخذ رای بعمل آمد - آراء هم قرائت شد. آقای آقاخان کتولی (امیر امجد) که یکی از خوانین محلی است با کثرت انتخاب شدند. انتخابات خاتمه پیدا کرد. ولی حاکم وقت استرآباد میل نداشت و يك راهزنی تهیه کرد و موجب وقفه با توقیف انتخابات آنجا شد - در صورتیکه بنظر بنده دومین یا سومین انتخاباتی بود که خاتمه پذیرفت - بعد از انتخابات سیستان گویا انتخابات استرآباد بود که تمام شد - اعتراضی که حکومت استرآباد کرده بود این بود که حکومت بندر جز نظامی بوده است در صورتیکه قریب ده هزار تعرفه توزیع و اخذ رای

شده و امیرالمجدد داراي ۵۰۰ رای شده بود و بعد از ایشان آقای معتضدالاسلام ۲۹۰ رای و بعد در درجه سوم آقای دکتر عباسخان قریب ۵۰۰ رای و درجه چهارم آقای معین الشریعه که از اشخاص محلی است قریب سیصد رای و در درجه پنجم آقای آقا سید محمدعلی شوشتری ۲۸۰ رای داشته اند. حکومت استرآباد را برت داده است که حکومت بندر جز نظامی بوده است از این جهت انتخابات بندر جز باید تجدید شود در صورتی که مجموع آراء صندوق بندر جز ۲۴۵ رای بیشتر نبوده است و بر فرض بطلان تأثیری در اساس انتخابات استرآباد نداشته - حکومت مرکزیش هم که نظامی نبوده سایر نقاطش هم همینطور بعلاوه نظریه حاکم آنوقت استرآباد هم روی يك مسائل خصوصی بوده زیرا حکومت نظامی نبوده و حاکم آنجا قبلاً در حضور علماء و نجار و اصناف محلی حکومت نظامی را الغا کرده و اعلان کرده است که حکومت نظامی نیست و انتخابات هم با آزادی جریان پیدا کرد انجمن مرکزی استرآباد هم صحت انتخابات بندر جز را تصدیق کرده که سواد آن هم پیش بنده هست و هم در وزارت داخله هست ما در قانون انتخابات (در دوره پنجم خوب در نظرم هست که وقتی که در کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات عضویت داشتم) خیلی سعی می کردم که طوری بشود دولت ها در انتخابات نتوانند اعمال نفوذ کنند مخصوصاً در ماده هفدهم قانون مزبور ما سعی بودیم که اختیارات را از حکام و مأمورین دولت بگیریم و بدهیم بانجمن ها و همین کار را هم کردیم در ماده هفدهم هم تصریح شده است که مسؤول صحت و سقم انتخابات انجمن نظارت است و فقط حاکم ناظر است و اگر تخطیاتی دید اخطار می کند و حق دیگری ندارد متأسفانه در عمل دیده شد که حکام و وزارت داخله میخواهند این حق قضاوت را از انجمن و از مجلس بگیرند - انجمن نظارت که در درجه اول رسیدگی به صحت و سقم انتخابات میکنند و تصدیق میکنند این حکم بمنزله حکم محکمه ابتدائی است اگر شکایاتی راجع به

این حکم بشود قضاوتش استینافاً یا شعبه مجلس و نیز با خود مجلس شورای ملی است و وزارت داخله - حق قضاوت در امر انتخابات ندارد که بگوید این انتخابات باطل است یا صحیح است بالاخره باید مجلس شورای ملی این تصدیق را بدهد و این قضاوت را بکنند و عمیل يك حاکمی انتخابات يك ولایت مهم سرحدرا نباید بحال وقفه یا توقیف گذاشت و مدت هفت هشت ماه توقیف کرد اخیراً شنیدم که يك حاکم دیگری برای آنجا معین کرده اند و گفته اند که باید انتخابات بندر جز تجدید شود - بنده چندان نگرانی در تجدید انتخابات بندر جز ندارم و شاید مؤثر هم نباشد. و باز هم امیرالمجدد وکیل استرآباد هست و خواهد بود. چیزیکه هست وزارت داخله نباید حقی را که از خصایص مجلس شورای ملی است بگیرد و قضاوتهایی بنظر یک نفر حاکم بکنند. و بالاخره انتخابات را وقتی که انجمن گفت صحیح است باید وزارت داخله انتخابات را تمام کند و راپرتش را بدهد بمجلس اگر ایرادات و شکایات و اعتراضاتی هست بمجلس شورای ملی باید رسیدگی کند و صحت و سقم آنرا تشخیص بدهد. (بعضی نمایندگان - صحیح است) انجمن مرکزی استرآباد رای داده است که آراء بندر جز باید قرائت بشود و صحیح است - حالا نمیدانم به چه مناسبت وزارت داخله میگوید صحیح نیست! میگوید حاکم رسمی من را برت داده و میگوید حاکم آنجا نظامی بوده است آیا انجمن آنجا رسمیت ندارد؟! اگر میل حاکم مناط بود دیگر اصلاً تشکیل انجمن نظارت و معطل کردن چندین نفر مردم معنی نداشت البته انجمنی که معین شده است کاملارسمیت دارد. اخیراً شنیدم که وزارت داخله حکم داده است انتخابات بندر جز تجدید شود ولی کجای قانون این حق را بوزارت داخله داده است؟ بنده نمیدانم که مستند بچه اصل قانونی است! بنده هنوز ملتفت نشده ام! شنیدم يك تعرفه های زیادتری میخواهند ببرند آنجا - بنده فعلاً این تذکر را میدهم به آقایان که گفته اند چهار هزار - پنجهزار

تعرفه برده اند آنجا بنده عرض می نمایم در بندر جز منتهی اگر تمام نفرانی که صالح باشند از برای اخذ تعرفه و دادن رای سیصد و چهارصد نفر بیشتر نیست و بنده نمیدانم چطور میخواهند چهار هزار تعرفه ببرند آنجا و باطل کنند وزیر ورو کنند! این است که از وزارت داخله سؤال کردم که این حکم تجدید انتخابات که میگویند صادر شده است آیا صحیح است یا بی اساس است و آیا برای وزارت داخله چه اشکال قانونی دارد که دوسیه امر را بفرستند بمجلس شورای ملی که قضاوت بکنند؟ اگر مجلس گفت انتخابات صحیح است که خانه بدهند و اگر گفت صحیح نیست آنوقت بروید تجدید کنید و اجازه ندهید این اصل غلط و سابقه غلط اجرا شود والا اگر این اصل غلط جریان پیدا کند هیچ انتخاباتی مطابق قانون صورت نخواهد گرفت.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

معاون وزارت داخله - انتخابات استرآباد همان طور که فرمودند در اول دوره انتخابات شروع شد و انتخابات شهر خانه پیدا کرد. در باب انتخابات بندر جز دو ایراد بنظر رسید یکی همان قسمت حکومت نظامی بود که میگفتند آنطوریکه لازم بوده است الغاء شود نشده. یکی دیگر مسئله تمدید مدتی بود که انجمن فرعی بندر جز برخلاف نظر انجمن مرکزی استرآباد داده بود چون البته این تمدید مدت بایستی مطابق تصمیم انجمن نظارت مرکزی و با اجازه او باشد ولی از قرار معلوم تمدید مدتی را که انجمن فرعی بندر جز داده بود رعایت این اصل درش نشده بود بنابراین در انجمن نظارت مرکزی استرآباد مذاکره کردند که این مقدار آرائی را که در مدت تمدید بصندوق بندر جز وارد شده بهمان عده از آراء در بیاورند و باقی را قرائت نمایند. حکومت و وزارت داخله ملاحظه کردند و دیدند تجزیه آراء بالاخره صحیح نیست. از يك طرف تمدید مدت صحیح نبوده و تفکیک آراء هم باین صورت ممکن نبود برای اینکه از کجا معلوم است این

آرائی را که بیرون میآورند همان آرائی است که در سه چهار روز مدت تمدید در صندوق ریخته شده یا از آراء سابق است؟ بنابراین این مسئله اصل موضوع را لوٹ کرد - باین جهت در نظر گرفته شد که بهتر این است انتخابات بندر جز (یعنی همان قسمت محدود بندر جز که يك حوزه فرعی است تجدید میشود) آنوقت از مجموع آراء جدید بندر جز و سایر حوزه هائی که انتخاباتش انجام شده هرکس حائز اکثریت است معلوم شده و با انتخابات خانه داده شود در هر صورت در عملیاتی که وزارت داخله کرده است تصور میکنم کاملاً رعایت قانون شده است. اما اینکه فرمودند فقط رأی انجمن نظار کافی است و بعد هم قضاوت بمجلس شورای ملی است البته قضاوت مجلس شورای ملی که درش هیچ زدییدی نیست و هر وقت مجلس هر دوسیه را بخواد حاضر است و تقدیم میشود ولی در باب نظارت هیئت نظار بنده عرض میکنم همانطور که هیئت نظار به موجب قانون نظر دارند و قضاوتشان در قسمت اولی کار لازم است وزارت داخله و حکام هم يك حق نظارنی در انتخابات دارند و توأمأ مسؤولند و دوسیه هم که تقدیم مجلس شورای ملی میشود دوسیه ایست که وزارت داخله تنظیم و تقدیم میکند و بایستی البته موازین آن دوسیه و ترتیبات آن مرتب و منظم و موافق قانون باشد. معیناً باز قضاوت بمجلس شورای ملی است که هر طور امر بفرمایند اطاعت میشود و در خانه هم عرض میکنم این تجدید انتخاباتی که برای حوزه بندر جز فرض شده است بهیچوجه بحوزه اصلی استرآباد نیست یعنی نسبت بآراء اصلی استرآباد هیچ نظری نبوده و زدییدی نبوده است و همانطور که آقای یاسائی فرمودند انجمن بندر جز فرعی است و البته از حیث آراء و عده تعرفه و عملیات دیگری که میشود متناسب محل خواهد بود.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بطوریکه عرض کردم انجمن مرکزی استرآباد رأی داده است بصحت انتخابات بندر جز و رأی

داده است نقرات آراء آنجا و قضاوت این مسئله یعنی مسئله مختلف فیهای بین انجمن نظارت و حکومت هم بالاخره با مجلس است و وزارت داخله حق ندارد حکم تجدید انتخابات يك محلی را خودش بدون کسب اجازه از مجلس شورای ملی بدهد. اگر چنانچه نظری نیست خوبست دوسیه را بیاورند به مجلس و بنظر آقایان و کلا و اکثریت نمایندگان بگذارند تا قضاوت شود. اینکه فرمودند آراء آنجا مشکوک شده است اولاً عرض کردم کلیه آراء بندر جز دویت و چهل و پنج رای بوده و انجمن فرعی بندر جز صحتش را هم تصدیق کرده است

گفتند مدتی خود انجمن فرعی تمدید داده است بر فرض اضافه هم شده باشد پنجاه رای و بالاخره پنجاه رای نسبت بچهار هزار و پانصد رای که تفاوتش به آراء بعد هزار - هزار و پانصد رای است چه تأثیری دارد؟ پنجاه رای (چه باطل. چه صحیح) تأثیری ندارد. و سوابق دوسیه‌هایی که موجود است و مجلس هم تصویب کرده است این است که همیشه مادر نظر داشتیم اعتراضاتی که میشده ببینیم یا مؤثر در اساس انتخابات هست یا نه؟ اگر بوده است قابل دقت میدانستیم و اگر در حواشی مؤثر بوده و در اساس اثری نداشته تصویب می کرده ایم. در هر حال بنده خواهشی که از وزارت داخله دارم این است که دوسیه قضیه را بفرستند به مجلس. اینجا در تحت نظر هیئت رئیسه مشاوره درش بشود بعد اگر مقتضی دیدند به حکمیت و قضاوت مجلس واگذار کنند که بجهت حق کسی باطل نشود.

رئیس - از نظارتی که قانون انتخابات بوزارت داخله داده است وزارت داخله نباید سوء استفاده بکند. مسئول صحت انتخابات انجمن است فقط اگر برخلاف قانون يك جریان پیدا کرد حق وزارت داخله است که به مجلس راپرت بدهد بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای رفیع .

حاج آقارضا رفیع - سؤال بنده از وزارت داخله راجع به فروش بزرگ بود در شهرهای ایران کلیه و در شهر طهران مخصوصاً. اخیراً دیده میشود که در هر

خیابان و در هر گذری بفاصله چند دکان يك دکان بزرگ فروشی هست. در سایر نقاط که جنسی قابل احتراق هست انانیه و اموان مردم را بیمه میکنند که آن بیمه کننده ضامن اموال مردم باشد ولی اینجا بنده نمیدانم اگر يك دکانی خدای نکرده احتراق حاصل کند مردم چه کار باید بکنند؟ يك انبار بسیار بزرگی در محله حسن آباد هست که اگر خدای نخواست آن انبار احتراق حاصل کند شاید تمام طهران را آتش بزند. همینطور در سایر جاها مثلاً از قزوین هم اخیراً در این خصوص شکایتی رسیده است. سایر ولایات هم همینطور بنده سؤال میکنم که وزارت داخله در این باب آیا اقدامی کرده اند یا نه؟ و بهتر این است که به نظمی و یا بلدییه در این خصوص يك توصیه بکنند که این بزرگ فروشی را در بیرون شهر یا دم دروازه ها یا در میدانهای بزرگ معین کنند که اگر احتراق اتفاق افتاد اسباب زحمت و خسارت ضعفا و مردم نشود و خورده فروش های در شهر را هم در يك جاهائی معین کنند که خطرش کمتر باشد و اگر حریق روی داد زود جلوگیری بشود مثلاً در میدان سپه اتفاقاً بیفتد صدمه نمیرساند ولی نوبی بازار و دکان و این جاها اسباب زحمت کلی مردم خواهد شد.

عده از نمایندگان - صحیح است

حاج آقارضا رفیع - سؤال دیگر بنده راجع به محبوسین نظمی است که از قراریکه اطلاع حاصل کردم خیلی در این سرما با آنها بد میگردد و برای این بدبختی که در آنجا گرفتارند هنوز يك فکری نشده و حقیقه عدلیه خیلی اعلامی داریم که حظ میکنم از ذکرش و هنوز تکلیف اینها را معین نکرده که باید آزاد شوند یا در حبس بمانند علی ای حال آنها مقصر هستند؟ باید حبس شوند یا نه؟ کاری بآن ندارم ولی آنها هم نوع بشرند. خواستم به بیم برای اینها هم اقدامی کرده اند و در این سرما ذغالی ملبوسی چیزی برایشان تهیه کرده اند که در این زمستان اینقدر در زحمت نباشند یا خیر؟

معاون وزارت داخله - راجع بمواد محترقه که فرمودند این قضیه پیش بینی شده و نظامنامه هم برای اینسکار ترتیب داده شده یعنی برای فروش و نگاهداری مواد محترقه که چه نوعی باید باشد و بالاخره اسباب نگرانی و اذیت مردم شهر نباشد و ناکید هم شده است که بفوریت مطابق نظامنامه از طرف نظمییه های شهرها رفتار شود و رفع نگرانی بشود در خصوص محبوسین هم همینطور که فرمودند در نتیجه اجرای قانون مجازات عمومی عده محبوسین زیاد میشود و يك اعتباراتی متناسب با عده آنها نبوده است. حالا درصدد هستیم برای تحصیل اعتبارات که وسائل نگهداری آنها را از حیث منزل و لباس و غذا و سوخت زمستان تا اندازه که ممکن است فراهم کنیم رئیس - آقای رفیع .

حاج آقارضا رفیع - در باب محبوسین بنده عقیده ام این است که چون حالا سرد است تا تصمیم بگیرند بالاخره آنها از سرما خواهند مرد. خوب است در همین موقع از هر جا که ممکن است از صرفه جوئی یا غیر آن يك ترتیبی برای آنها بدهند تا بالاخره بودجه آن بیاید و ما هم البته موافقت خواهیم کرد.

رئیس - آقای امیرحسینخان .

امیرحسینخان - سؤال بنده از وزارت داخله راجع بانتخابات کردستان است انتخابات کردستان تقریباً نه ماه است خانم یافته و کلای آنجا هم تمام معین شده اند و اخیراً يك جوانی از طرف انجمن نظار گویا به مجلس شورای ملی و یکی هم بوزارت داخله میرسد راجع به تمام بودن انتخابات کردستان و اینکه دیگر انجمن نظار بهیچوجه من الوجوه لازم نمیداند اقدامات دیگری بکند و انتخابات آنجا را خانم یافته میداند چنانچه نماینده محترم آقای یاسائی هم فرمودند و بالاخره قانون هم همینطور میفرماید. مسئول صحت جریان انتخابات انجمن نظارت است نه وزارت داخله فقط حق نظارت

دارد انجمن نظارت وقتی بگوید انتخابات خانم یافته است وزارت داخله دیگر حق ندارد آنها تحمیل بکند که يك کار دیگر را هم بکنند. مثلاً شعبه بفرستید. یا صندوقهای باطراف بفرستید این اقدامات بیشتر باشکال تراشی میباشد. بنده جواب انجمن نظار کردستان را حالا بعرض آقایان میرسانم. ولی البته مختصراً عرض میکنم اکنون که کلیه این محاذیر و مواعع بجای خود باقی و بعلاوه چون اهالی تمام نقاط دور و نزدیک در آن ایام مقرر حاضر شرکت شده رای خود را داده اند حالا اقدام بتشکیل انجمنهای فرعی با نبودن سجل احوال و هیچگونه مابه الامتیاز جز اینکه دچار يك سلسله اشکالات قریب بحال و با قویا اسباب اختلال امر شود اثری دیگر ندارد و انگهی نظر بسپری شدن موقعیت قانونی آن اینگونه اقدامات بيموقع بمخالف قانون اقرب از موافقت است. خانم اعضای انجمن نظارت کاکان بهمان عقیده راسخه باقی هستند و جز آن را برخلاف وجدان و روح قانون میدانند تکلیف شکایات و اعتراض و رسیدگی را نیز خود قانون دستور داده. مدلول ماده ۴۲ بر احدی پوشیده نیست منتظر تعیین دستور قطعی است. ماده ۴۲ قانون انتخابات میگوید انجمن نظار مسؤول صحت جریان انتخابات هر نقطه است و اگر چنانچه اختلافات یادو دسته گمی یا شکایاتی باشد قضاوت آن با مجلس شورای ملی است نه با وزارت داخله شنیده میشود (در خارج) که وزارت داخله اصول کدخدای منشی را بر قانون ترجیح داده است. شنیده میشود که بعضی از وکلای پیشنهاد میشود (یعنی مطابق آن اعلانی است که خود انجمن کردستان که دسته هستند از اهالی کردستان نوشته بودند) که وزارت داخله پیشنهاد میکنند که یکی از وکلاییکه انتخاب شده است که شاید ده هزار رای داشته است استعفا بدهد و يك کسی که هزار رای داشته بیاید قبول وکالت کند. بنده خیلی متعجبم!! و همه وقت هم منتظر بودم که وزارت داخله مر قانون را در مملکت اجرا کند.

نمیدانم اصول کدخدای منشی در کجای قانون نوشته شده؟! این است که از معاون وزارت داخله نمی دارم که اولاً يك جوابهائی مطابق سؤال بنده بدهند و ثانیاً چنانچه تصدیق میکنند و البته تصدیق هم خواهند کرد که (مطابق جواب انجمن نظار) انتخابات آنجا تمام شده است. علت اینکه نمی آورند بمجلس و وکلای آنجا را معرفی نمی کنند چیست؟ و بالاخره اگر اختلافاتی هم هست مطابق ماده چهل و دو قضاوت آن را باید بمجلس شورای ملی بکنند. و بیشتر از این راضی نشوند که يك ایالت و ولایتی (که بالاخره آنها هم حق دارند) از حق مشروع ملی خودشان (استفاده کنند) محروم بمانند. این است که از معاون وزارت داخله نمی میکنم که زودتر باین کار خاتمه بدهند.

معاون وزارت داخله - چون سؤال فرمودند و گفتند که مطابق سؤال جواب عرض کنم بنده اجمالاً جریان قضیه را بطوریکه بوده است عرض میکنم البته همان طور که فرمودند قضاوت بمجلس مقدس است. انتخابات کردستان باین مرحله رسید که انجمن اظهار کرد انتخابات تمام است در صورتیکه مطابق قانون آنطور که باید در حوزه های فرعی عمل شده باشد عمل نکرده اند. البته اگر شکایاتی نمیرسید يك مطلبی بود ولی چون شکایاتی رسیده و این مسئله را ایراد کرده اند که چرا در حوزه های فرعی عمل نشده است؟ (یعنی در آن نقاطی که در جدول انتخابات نوشته شده) بالاخره حکومت کردستان تغییر کرد و حکومت جدید فرستاده شد و وضعیات هم طوری بود که عمل در حوزه های فرعی باشکال برخورد و قضیه بطول انجامید تا اینکه قضیه بانجمن مراجعه شد و تذکر داده شد که خوب است در حوزه های فرعی هم عمل شود که انتخابات حقیقه صورت کاملی بگیرد و تمام شود انجمن را برنی داده اند و اظهار میکنند که ما (یعنی هیئت نظار) انتخابات کردستان را تمام شده میدانیم و محتاج نمیدانیم که در حوزه های فرعی عمل شود. زیرا بعضی از اهالی حوزه های

نظار هم انتخابات را خاتمه یافته میدانند. بنا بر این خوبست هرچه زودتر دوسیه انتخابات آنجا را بفرستند بمجلس و قضاوت هم با مجلس شورای ملی باشد.

معاون وزارت داخله - چون اظهار کردند جواب بنده مطابق سؤال نبود مجبوراً عرض میکنم که ایشان اظهار کردند انجمن جواب داده است که انتخابات تمام شده است. بنده عرض کردم که انجمن این اظهار را کرده است ولی شکایاتی رسید و متذکر شدند که حوزه های فرعی تشکیل نشده است و در تعقیب آن شکایات تذکر داده شد که حوزه های فرعی را هم تشکیل و بر طبق قانون انتخابات را جریان بدهند. بنا بر این جواب بنده کاملاً مطابق سؤال بود.

رئیس - ماده ۴۶ خبر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی قرائت میشود.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۴۶ - در مواردیکه بین انجمن و رئیس بلدی اختلاف نظر یا موضوع شکایتی تولید شود طرفین باید قضیه را بحکومت محل مراجعه دهند تا پس از رسیدگی قرار تسویه امر و رفع اختلاف را بدهد هرگاه بقرار حکومت طرفین یا يك طرف متقاعد نشوند حکومت مکلف است مراتب را بوزارت داخله راپرت دهد و وزارت داخله با رعایت قوانین و نظامات مقررہ مطلب را رسیدگی و اتخاذ رای میکند و رأی وزارت داخله قاطع خواهد بود.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - مخالفت بنده با این ماده از این راه است و در مواد دیگر هم این مخالفت بود ولی به بنده اجازه نمیرسید در ماده ۳۱ این قانون نوشته است: پس از وصول اعتبار نامه ها وکلای بلدی بموجب دعوت نامه حکومت در محلی که برای آنها مقرر

است حضور بهم رسانیده در تحت ریاست بکنفر رئیس سنی هیئت رئیسه خود را که عبارت است از يك نفر رئیس و يك یا دو نفر نایب رئیس و يك یا دو نفر منشی بتناسب عددها انجمن برای مدت دو سال انتخاب مینمایند مطابق این ماده رئیس انجمن آنکسی است که از مابین اعضاء انجمن برای مدت دو سال انتخاب میشود در مواد مربوطه بانجمن هم همه جا باو گفته میشود رئیس بلدی در ماده ۴۳ گفته شد قسمت اداری بلدی در تحت ریاست بکنفر رئیس خواهد بود که از طرف وزارت داخله بخدمت ذیل معین میشود. آنوقت میگوید وزارت داخله سه نفر را به انجمن بلدی پیشنهاد میکنند و از طرف انجمن بکنفر از آنها انتخاب میشود پس بلدی بدیده دارای دو نفر رئیس. یکی رئیس اداری و یکی رئیس انجمن و حالا بنده نمیخواهم داخل بشوم در اینکه وظائفشان با هم فرق دارد چیزی که هست ما وقتی در خارج میگوئیم (رئیس بلدی) رئیس قسمت اداری است که گمان نمیکم منظور آقایان این باشد. رئیس بلدی رئیس انجمن است که يك مؤسسه ملی است و بالاخره ما داریم بلدی را جنبه دولتی بان میدهیم در صورتیکه مقصود ما این است که این مؤسسه ملی باشد در ماده هم که بعد نوشته شده است: در موردیکه بین انجمن و رئیس بلدی اختلاف نظر حاصل شود معلوم نیست که مقصود رئیس انجمن بلدی است یا رئیس اداری بلدی در بعضی مواد دیگر هم هست مثلاً در ماده ۳۸ مینویسد مطالبی که در انجمن بلدی طرح میشود بتکلیف رئیس بلدی یا وکلای بلدی و یا بموجب اظهار کتبی حاکم محل خواهد بود این جا هم معلوم نیست مقصود کدام رئیس است رئیس انجمن قضیه را طرح میکند یا رئیس اداری بلدی؟ در هر حال از نقطه نظر اینکه اینجا دو مقام است و در آتی نمیدانیم چطور تشخیص بدهیم که کدام رئیس کل است و کدام جزء و کدام مطیع و کدام مطاع؟ عقیده بنده این است که رئیس قسمت اداری را

اسمش را بگذاریم مدیر بلدیه یعنی مدیر اداره بلدیه و وقتی میگوئیم رئیس بلدیه (در مواقع رسمی و تشریفاتی که برای اینمقام لازم هست) مقصود رئیس انجمن باشد که مؤسسه ملی است و در قسمت های اداری یک نفر به تعیین وزارت داخله بسمت مدیریت اداری بلدیه انتخاب شود که در آتی هم اشتباه بین رئیس انجمن و رئیس بلدیه نشود و حالا هم بنده اصراری ندارم. کمیسیون داخله در نظر میگیرند که عنوان را طوری قرار بدهند که اشتباه نشود

مخبر - نماینده محترم آقای یاسائی پیشنهاد داده اند این پیشنهاد میآید در کمیسیون و مورد مطالعه واقع خواهد شد و واقعاً کمیسیون و مجلس هم میبایستی در اینخصوص دقت داشته باشند که آیا مقتضی است با وضعیت فعلی مملکت رئیس انجمن بلدیه همان رئیس بلدیه باشد یا خیر؟ اینقانون موادش قسمی تنظیم شده است که وظائف هر يك از اینها را تفکیک کرده است و وظائف انجمن بلدیه و وظائف بلدیه و رئیس بلدیه هر کدام در حد خودش علیحده معین است حالا اگر واقعاً مقتضی است که رئیس انجمن بلدیه همان رئیس بلدیه باشد بسیار خوب يك پیشنهادی است کمیسیون مطالعه میکنند و نتیجه مطالعه کمیسیون بعرض مجلس شورای ملی خواهد رسید ولی در هر حال با وضعیت فعلی چون ما میخواهیم اینقانون را ببریم و در اطراف مملکت در نقاطی که اهالی آنطور که باید آشنا با اصول اداری و طرز اداری نیستند و وظائف بلدیه و هیئت شوروی را درست نمی دانند اجرا کنیم هرگاه رئیس انجمن بلدیه و رئیس بلدیه یک نفر باشد ممکن است يك اشکالاتی پیش بیاید و ممکن است مردم و اهالی هر نقطه اظهاراتی راجع بر رئیس انجمن بلدیه داشته باشند و بگویند رئیس انجمن بلدیه بمناسبت اینکه رئیس بلدیه است يك اعمال نظر هائی میکنند و این اظهارات در اطراف يك مؤسسه مستقل ملی چندان شایسته نیست حالا ممکن

است آقای یاسائی موافقت بفرمائید نسبت باین ماده يك مذاکرانی شده است و بالاخره پیشنهادهائی که رسیده است قرائت شود و بکمیسیون بفرستند ممکن است خودشان آنجا تشریف بیاورند و دقت شود و این ماده موافق مطلوب تهیه شود و بعرض مجلس برسد.

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای ثابت (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد مینمایم ماده ۴۶ حذف شود. بقیه پیشنهادها نیز از طرف آقای رئیس اعلام و بترتیب ذیل قرائت شد

پیشنهاد آقای کی استوان با توجه به ماده ۴۲ پیشنهاد میکنم (ماده ۴۶ حذف شود)

پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم بعد از جمله (در مواردی که بین انجمن و رئیس بلدیه) در ماده ۴۶ این جمله اضافه شود (در تنظیمات اداری و امور مربوطه بان)

پیشنهاد آقای میر ممتاز: بنده پیشنهاد میکنم بشرح ذیل تبدیل شود: معاونت اداری بلدیه به پیشنهاد

رئیس بلدیه و تصویب انجمن بلدیه یکی از روساء شعب اداری محول و در غیاب رئیس قائم مقام او بموجب حکم وزیر داخله منصوب خواهد بود

پیشنهاد دیگر آقای میر ممتاز: بنده پیشنهاد میکنم بعد از ماده ۴۶ مواد ذیل اضافه شود

- ۱ - اداره بلدیه دارای شورای اداری خواهد بود مرکب از رؤساء شعب اداری درجه اول و معمولاً ماهی دو مرتبه در تحت ریاست رئیس بلدیه تشکیل و در امور مهمه اداری مشاوره خواهند نمود.
- ۲ - تغییر رئیس بلدیه قبل از سه سال واقع نخواهد شد مگر باستعفای خود او یا اظهار عدم اعتماد اکثریت انجمن بلدیه - چنانچه حکومت محل یا اهالی شکایت از رئیس بلدیه داشته باشند بانجمن بلدیه اظهار و پس از رسیدگی و مذاکره در صورتیکه

تغییر او الزام نماید مراتب بوزارت داخله پیشنهاد و حکم انفصال او از وزارتخانه صادر و مطابق ماده ۴۳ تجدید خواهد شد

تبصره - هرگاه شکایت مربوط بر رئیس بلدیه پایتخت باشد حکم انفصال از هیئت وزراء صادر خواهد شد

پیشنهاد دیگر آقای میر ممتاز: بنده پیشنهاد میکنم - بعد از ماده ۴۶ ماده ذیل علاوه شود برای رسیدگی به شکایات از اعضاء و اجزاء بلدیه مجلس تحقیق اداری در تحت ریاست رئیس بلدیه تشکیل و مرکب خواهد بود از اعضاء شورای اداری و بهمان عده از وکلای انجمن بلدیه پیشنهاد آقای دکتر طاهری: پیشنهاد میکنم آخر ماده ۴۶ علاوه شود:

و اگر انجمن سلب اعتماد از رئیس بلدیه نمود عدم اعتماد خود را بحکومت اطلاع داده و حکومت بوزارت داخله راپرت میدهد و برطبق ماده ۴۳ انتخاب رئیس بلدیه تجدید میشود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب: تبصره ذیل را پیشنهاد ماده ۴۶ میکنم وزارت داخله مکلف است پس از صدور راپرت موضوع مختلف فیه در عرض یکماه اتخاذ رای کند بیش از یکماه نباید بتأخیر افتد

رئیس - ماده چهل و هفتم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۷ - اداره بلدیه صورت جامعی از کلیه اموال منقوله و غیر منقوله متعلقه بشهر ترتیب میدهد. و هر شهاده صورت حساب بلدیه را بضمیمه راپرت اقدامات خود بانجمن تقدیم میکند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اگر چه بکدومه دیگر هم عرض کردم و آقای مخبر اظهاراتی کردند ولی عقیده ام این است که این ماده هم جزء نظامنامه باشد ماده ۴۶ جزء نظامنامه است چون در ماده ۳۳ حقیقه ما معین کرده

بودیم که رسیدگی با اموال منقول و غیر منقول از جمله امور راجعه بانجمن بلدیه است دیگر جریان عمل را نباید در قانون ذکر کرد. این قانون که ممکن نیست بدون نظامنامه در تحت نظر وزارت داخله اجرا شود لذا بنده عقیده ام این است که این سه ماده جزو نظامنامه است و در نظامنامه باید ذکر شود.

مخبر - این يك عقیده است که برای این قانون هم يك نظامنامه باید تهیه شود و با آن نظامنامه این قانون اجرا شود حالا عملی است یا نه معلوم نیست زیرا مقتضیات انجمن بلدیه فیروز آباد فارس بانجمن بلدیه نائین ممکن است فرق داشته باشد و شاید برای وضعیات تمام نقاط ایران يك نظامنامه تطبیق نکنند این است که انجمن بلدیه هر جا نظامنامه مخصوصی لازم میدانند در حدود این مواد اساسی تهیه کنند و خرجش را هم آقای آقا سید یعقوب نمایند محترم پیشنهاد بفرمایند. اما این ماده بنظر کمیسیون لازم است در قانون ذکر شود زیرا موضوع اموال منقول و غیر منقول متعلقه بشهر يك موضوعی است که لازم است يك صورت جامعی اداره بلدیه هر جا از دارائی و اموال منقول و غیر منقوله خودش معین کند و این یکی از وظایف خاص اداره بلدیه است که صورت بدهد. از همین نقطه نظر هم بود که در ماده قید شد علاوه بر صورت دارائی بلدیه هر شهاده يك مرتبه صورت حساب بلدیه را هم باید بضمیمه راپرت اقدامات خود بانجمن تقدیم کند که انجمن خودش دخالت در اجرائیات نکند و باید انجمن روی مطالبی که در حدود این قانون نوشته شده عمل کند و در روی راپرتهائی که از طرف بلدیه داده میشود مطالعه کند و اگر اصلاحاتی لازم است در آن بکنند این است که بنظر کمیسیون این ماده يك ماده اساسی است و مربوط به نظامنامه نیست

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای میر ممتاز

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۷ هر شش ماه یکمرتبه به سه ماه تبدیل و نیز در آخر ماده علاوه شود که (صورتی حساب بلديه را هر سه ماه يك مرتبه باتصديق و امضاء انجمن بلدي براي اطلاع عموم اهالی طبع و منتشر مینماید)

رئیس - پیشنهاد آقای فرهمند

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۷ در سطر دو بعد از کلمه (بشهر) کلمه قصبه اضافه و بعد از جمله بانجمن تقدیم میکنند کلمه طبع و نشر هم اضافه شود.

رئیس - ماده ۴۸ - چهارم و هشت :

ماده ۴۸ - لوایح پیشنهادی انجمن بلدي که باید بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بوسیله رئیس بلديه به وزارت داخله ارسال میشود .

عمادی - ماده بقیه دارد

(بقیه نیز بشرح ذیل خوانده شد)

این لوایح باید با موافقت حکومت محل تنظیم شده باشد رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - بنده با همین عبارت اخیری که آقا خواندند مخالف هستم برای آنکه اگر ما این حق را به انجمن بلدي بدهیم که خودش مستقیماً لایحه تنظیم کند و بدون نظر حکومت نتواند لایحه پیشنهاد کند لازمه اش این میشود که هیچ کاری نتواند بکند در صورتیکه اعضاء انجمن بلدي که مطابق قانون انتخاب میشوند بر طبق قانون خودشان استقلال دارند و اگر اینطور باشد که تنظیم لایحه با موافقت حکومت باشد ممکن است حکومت موافقت نکند آنوقت نباید لایحه را تهیه کند؟ این است که بنده با این قسمت مخالفم . چون نمایندگان بلدي در تحت موادی که بر ایشان معین شده وظائفی دارند که باید رفتار نمایند . البته تجاوز هم نباید بکنند . چهارده جزو برای وظائف اعضاء انجمن بلدي معین شده که در

حدود آن باید لوایحی ترتیب بدهند و کارهایی بکنند و نباید این قسم آنها را از حقوقشان محروم کرد .

مخبر - اگرچه آقای آقا سید یعقوب يك نینانی میفرمایند ولی آنطوری که باید دقت نمیفرمایند در اینجا ذکر میشود که این لوایح مطابق آن ماده که قبلاً تنظیم شده تهیه میشود . ولی طرز پیشنهاد و طرز اجرائش این است که اینجا در این ماده معین شده است . همانطوری که در ضمن مذاکره در یکی از مواد این قانون نماینده محترم وزارت داخله هم توضیح دادند ممکن است اعضاء انجمن بلدي احاطه کامل بمسائل اساسی و تطبیق آن با قوانین موضوعه نداشته باشند لذا از این نقطه نظر لازم است موافقت نظر حکومت هم جلب شود تا يك لایحه صحیحی تهیه شود و آنوقت با این جریانات بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی تقدیم شود . فقط موافقت نظر حاکم در این مورد از این نقطه نظر است که چون حکومت احاطه اش بقوانین موضوعه بیشتر است دقت شود لوایحی که تهیه و تدوین میشود اصطلاحاً با موازین قانونی نداشته باشد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

بترتیب ذیل قرائت شد

پیشنهاد آقای کی استوان : ماده ۴۸ را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم لوایح انجمن بلديه بوسیله حکومت به وزارت داخله ارسال و وزیر داخله به مجلس شورای ملی تقدیم مینماید

پیشنهاد آقای معظمی : بنده پیشنهاد میکنم سطر سوم ماده ۴۸ حذف شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری : پیشنهاد میشود جزء اخیر ماده ۴۸ اینطور اصلاح شود موقع تهیه این لوایح انجمن با حکومت مشورت خواهد نمود .

پیشنهاد آقای احتشام زاده : بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۸ پس از جمله (بوسیله رئیس بلديه) نوشته شود (برای حکومت محل میفرستد که بوزارت داخله

ارسال شود) و بقیه عبارات آخر ماده حذف شود پیشنهاد آقایان ملک آرائی و ثابت : بنده پیشنهاد مینمایم بعد از (ارسال میشود) سطر آخر (که با موافقت حکومت محل تنظیم شده باشد) حذف شود .

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب : بنده پیشنهاد میکنم سطر (لوايح... الخ) حذف شود

پیشنهاد آقای اسفندیاری : بنده پیشنهاد میکنم جمله با موافقت حکومت بر داشته شود

پیشنهاد آقای فرهمند : بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده ۴۸ که لوایح با موافقت حکومت محل تنظیم شود حذف شود

پیشنهاد آقای نفة الاسلامی : بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴۸ (این لوایح باید با موافقت حکومت محل تنظیم شده باشد) حذف شود

پیشنهاد آقای زوار : بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۸ بکلی حذف و بجای آن این طور نوشته شود : لوایح پیشنهادی انجمن بلدي پس از تصویب انجمن بلدي بمجلس شورای ملی تقدیم شود

پیشنهاد آقای عمادی بنده پیشنهاد مینمایم که جمله ذیل را در آخر ماده ۴۸ ضمیمه نمایند : در صورت عدم موافقت حکومت رئیس بلديه مستقیماً میتواند تنظیم نموده بوزارت داخله ارسال دارد

رئیس - ماده چهارم و پنجم

ماده ۴۹ - رئیس بلديه و اعضاء و مستخدمین اداره بلديه دارای لباس و علائم مخصوصی هستند که بموجب نظامنامه علیحده که از تصویب وزارت داخله میگذرد معین خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب :

آقا سید یعقوب - بنده برای خاطر اینکه آقای مخبر محترم را بکفوری توجه بدهم که بنده کاملاً ملتفت هستم و میفهمم چه میگویم . ماده را هم مطالعه میکنم دلیلش هم

این بود که تماماً آقایان نمایندگان نسبت باین قسمت که بنده مخالف بودم و راجع بحقوق اعضاء بلدي بود که حقوقشان را پامال میکرد مخالفت کردند و پیشنهاد دادند در این قانون از اول تا آخر در هر ماده که عرض میکردم آقای مخبر میفرمودند «خیر این يك قانونیست که همه چیز درش هست و نظامنامه دیگر لازم ندارد» پس حالا در این ماده نوشته اند «نظامنامه علیحده که وزارت داخله تنظیم میکند» پس معلوم میشود که برای این قانون يك نظامنامه لازم است .

حالا که لازم است بنده همانطور که قبلاً عرض کردم عقیده ام این است که این نظامنامه را فقط منحصر بلباس ندانیم و نظامنامه برای اجرای تمام قانون باشد . من جمله این قسمت لباس را هم درش بنویسند . از این جهت خواستم تذکر بدهم که این قانون بر طبق این ماده يك نظامنامه دارد و نظامنامه هم باید برای تمام مواد قانون یعنی هر ماده اش که محتاج باشد نوشته شود نه اینکه نظامنامه مخصوص لباس باشد

مخبر - مکرراً در اینخصوص مطالبی عرض شده است حالا هم پیشنهادی اگر دارند بفرستند بکمیسیون در آنجا مورد مطالعه واقع خواهد شد رئیس - پیشنهاد آقای فرشی :

این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۹ باین نحو اصلاح شود ماده ۴۹ - رئیس بلديه و اعضاء و مستخدمین اداره بلديه دارای لباس و علائم مخصوصی که در تمام مملکت متحد الشکل بوده و بموجب نظامنامه علیحده .. الی آخر ماده

رئیس - پیشنهاد آقای زوار

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۴۹ بجای تصویب وزارت داخله تصویب انجمن بلدي نوشته شود

رئیس - ماده پنجاه :

ماده ۵۰ - قانون بلديه مورخ ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵

از تاریخ تصویب این قانون ملغی و منسوخ خواهد بود
رئیس -- آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب -- اینجا نوشته شده است از تاریخ تصویب یعنی مجردی که این قانون تصویب شد آن قانون قبل ملغی است . بنده عقیده ام این است (اگر چه بنده عقیده ندارم که تصویب و اجرای قانون تراخی حاصل کند) ولی عقیده بنده این است که کمیسیون در نظر بگیرد و یک ظرف مدتی را قائل بشود . زیرا هر قانونی یک ظرف مدتی برای اجرا میخواهد و نمیشود فوراً قانون را اجرا کرد . کن فیکون که نیست . چون قانون سابق بعضی از مواد آن بوده است که عملی بوده و در بعضی از ولایات تشکیلات انجمن بلدی را مطابق آن قانون داده اند و فوراً نمیشود آنها را بهم زد . این است که بنده عقیده دارم یک ظرف مدتی برای قرار بدهند که حقیقه عملی باشد .

مخبر -- در ماده پنجاه و یک که ماده اخیر است مخصوصاً میگوید که وزارت داخله مأمور است بلافاصله پس از تصویب این قانون وسائل اجرای آن را فراهم نماید و این کاملاً نظر آقای آقا سید یعقوب را تأمین خواهد کرد بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- ماده پنجاه و یک :

ماده ۵۱ -- وزارت داخله مأمور است که بلافاصله پس از تصویب این قانون وسائل اجرای آن را در مرکز و ولایات تهیه نماید .

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس -- پیشنهاد آقای ساکینیان . بنده پیشنهاد

میکنم ماده ذیل که ماده ۶ قانون بلدییه سابق است تأکید شود

ماده الحاقیه وجوهی که اهل شهر برای مصارف بلدییه میدهند باید بحکم قانون باشد

رئیس -- پیشنهاد دیگر آقای ساکینیان : بنده پیشنهاد میکنم مواد ۷ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۸۵ و ۸۶ قانون بلدییه سابق باین قانون اضافه شود

رئیس -- پیشنهاد آقای میرممتاز : بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۱ بطریق ذیل اصلاح شود با اضافه یک تبصره . وزارت داخله مأمور است پس از یکماه از تاریخ تصویب این قانون موجبات اجرای آنرا در پایتخت و پس از در ماه در ایالات و ولایات فراهم سازد

تبصره -- مخارج انتخابات بلدی فعلاً از محل صرفه جوئی مالیاتهای بلدی تادیه و بعدها از عواید بلدییه بتصویب انجمن بلدی پرداخته خواهد شد

رئیس -- پیشنهاد ختم جلسه شده است

حائری زاده -- بنده مخالفم

رئیس -- بفرمائید

حائری زاده -- رای دخول در شور نانی را خواست بگیرد بعد جلسه ختم شود

رئیس -- بنده خواستم همین کار را بکنم ولی عده برای رای کافی نیست برای مذاکره کافی بود بنابراین رای بورود در شور نانی موکول میشود باول جلسه بعد

جلسه آتی سه روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر : دستور اولاً رای بشور نانی قانون بلدی ثانیاً لایحه اتوبوس رانی ثالثاً خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات معارف . (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون الغاء مالیاتهای صغیری و مالیات سرشماری

مصوبه ۲۰ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده اول -- مجلس شورای ملی کلیه مالیاتهای صغیری را اعم از شهر و قصبات و قراء و ایلات (مطابق صورت منضمه و غیر آن بهر اسم و رسم) از اول سال ۱۳۰۶ ملغی مینماید و دولت مکلف خواهد بود این مالیات را از دفاتر دولتی حذف نماید تبصره -- وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای سنواتی اصناف صرف نظر نموده و مطالبه ننماید .

ماده دوم -- وزارت مالیه مکلف است که مالیات سرشماری (سرانه) که از اشخاص گرفته میشود و الغای آن موکول با اجرای قانون تمیزی املاک اربانی مصوبه ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ گردیده از ابتدای سنه ۱۳۰۶ موقوف المطالبه نموده از دفاتر دولتی حذف کند . این قانون که مشتمل بر دو ماده و یک صورت ضمیمه است در جلسه بیستم آذرماه یکهزار و سیصد و پنجاه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

صورت ضمیمه مذکوره در ماده اول قانون الغای مالیاتهای صغیری و سرشماری

۱ مالیات سماکی	۲۴ مالیات صنف سمسار
۲ کلک رانی	۲۵ مسگر
۳ سوخت و تره بار	۲۶ نعلچی کر
۴ ذغال	۲۷ خیاط
۵ میوه و تره بار	۲۸ کالج بز
۶ باغ میوه و بوستان	۲۹ رزاز
۷ باج فیلی	۳۰ کوزه فروش
۸ حمل روغن	۳۱ بالان دوز
۹ سرب و باروت	۳۲ چیت ساز
۱۰ داغ کفش	۳۳ شله رنگ کن
۱۱ فوا که	۳۴ دوشاب ساز
۱۲ ماشین پنبه	۳۵ مویز
۱۳ مالیات سردار کشی	۳۶ اطو کش
۱۴ لش کشی	۳۷ نم مال
۱۵ رسوم کشمش	۳۸ نعلبند
۱۶ باج نمک	۳۹ چاقو ساز
۱۷ مازوج	۴۰ حلوا بز
۱۸ خانات	۴۱ آشپز
۱۹ عشور بربز (تر باک نمبا کو کتیرا مغز بادام و غیره)	۴۲ عصار
۲۰ اجازه تجارت	۴۳ جوراب باف
۲۱ عیدی	۴۴ شال باف
۲۲ مالیات صنف بزاز	۴۵ فحار
۲۳ علاقه بند	۴۶ متفرقه

۱۴۷ مالیات صنف پوست دوز	۱۱۳ مالیات صنف بنکدار
گازر " " ۱۴۸	توتون فروش " " ۱۱۴
سراج و کفاش " " ۱۴۹	دوا فروش " " ۱۱۵
شیره خانه " " ۱۵۰	کلاه مال " " ۱۱۶
نفت فروش " " ۱۵۱	خرده فروش " " ۱۱۷
چینی بندزن " " ۱۵۲	کوزه گر " " ۱۱۸
کاسه گر " " ۱۵۳	شانه بند و پیوندی " " ۱۱۹
آجر بز " " ۱۵۴	دقاق " " ۱۲۰
طراح " " ۱۵۵	لبو فروش " " ۱۲۱
اطاقهای کاروانسرای مسکونی نجار " ۱۵۶	ساغری ساز " " ۱۲۲
سر قاطری " " ۱۵۷	حامی " " ۱۲۳
صنف الاغ شماری " " ۱۵۸	شیلات " " ۱۲۴
دکاندار " " ۱۵۹	نخود برز " " ۱۲۵
زرد چوبکوب " " ۱۶۰	قناد و حلوائی " " ۱۲۶
کوره بز " " ۱۶۱	بیوت النحل " " ۱۲۷
داغ کرباس و غیره " " ۱۶۲	زارع " " ۱۲۸
کله بز " " ۱۶۳	صابون بز " " ۱۲۹
کینائی " " ۱۶۴	کبابی جگرکی " " ۱۳۰
قاشق تراش " " ۱۶۵	خرده فروش میدان " " ۱۳۱
پنبه فروش " " ۱۶۶	بازار " " ۱۳۲
بقله فروش " " ۱۶۷	شود مال " " ۱۳۳
نعلبر " " ۱۶۸	مجری ساز " " ۱۳۴
ساعت ساز " " ۱۶۹	حلبی ساز " " ۱۳۵
فیوج " " ۱۷۰	نوار فروش " " ۱۳۶
دلالی ابریشم " " ۱۷۱	سبزی فروش " " ۱۳۷
مقنی " " ۱۷۲	عطار " " ۱۳۸
حصیر باف " " ۱۷۳	خام خر " " ۱۳۹
سلاخ " " ۱۷۴	نجار " " ۱۴۰
نشاسته ساز " " ۱۷۵	بزاز " " ۱۴۱
صباغ قدک " " ۱۷۶	سمسار " " ۱۴۲
بالوده و بستنی فروش " " ۱۷۷	ملکی دوز " " ۱۴۳
سناک " " ۱۷۸	بور یا باف " " ۱۴۴
کرباس دوز " " ۱۷۹	سفید گر " " ۱۴۵
	پاتیل ساز " " ۱۴۶

۸۰ مالیات صنف شانه ساز	۴۷ مالیات صنف آرد فروش
بقال " " ۸۱	آهنگر " " ۴۸
نساج " " ۸۲	کلاه دوز " " ۴۹
سبزی کار " " ۸۳	سراج " " ۵۰
نخمه فروش " " ۸۴	کفش دوز " " ۵۱
دباغ " " ۸۵	چرم دوز " " ۵۲
چرم ساز " " ۸۶	آجیل فروش " " ۵۳
قناد " " ۸۷	حلوائی " " ۵۴
خباز " " ۸۸	شیره بز " " ۵۵
طواف " " ۸۹	رداف " " ۵۶
ابریشمگر و گجکوب " " ۹۰	گیوه فروش " " ۵۷
سفید باف " " ۹۱	نقاش " " ۵۸
پنیر فروش " " ۹۲	باغبان " " ۵۹
ریسمان فروش " " ۹۳	چلینگر " " ۶۰
شماع " " ۹۴	زرگر " " ۶۱
گاو کش " " ۹۵	کلیچه " " ۶۲
ذغال فروش " " ۹۶	صباغ " " ۶۳
موج باف " " ۹۷	خراز " " ۶۴
بنا و خشمال " " ۹۸	بلور فروش " " ۶۵
زه بارچی " " ۹۹	حلاج " " ۶۶
دوات گر " " ۱۰۰	ریسمان باف " " ۶۷
قهوه چی " " ۱۰۱	مکاری " " ۶۸
خراط " " ۱۰۲	آئینه ساز " " ۶۹
صندوق بند " " ۱۰۳	باروت کوب " " ۷۰
گجکوب " " ۱۰۴	پنبه دوز " " ۷۱
چادری باف " " ۱۰۵	آسیابان " " ۷۲
ظرف فروش " " ۱۰۶	علاف " " ۷۳
زهتاب " " ۱۰۷	قصاب " " ۷۴
شمشیر گر " " ۱۰۸	طبناخ " " ۷۵
کارد گر " " ۱۰۹	نمد مال " " ۷۶
ننبا کو فروش " " ۱۱۰	روغنگر " " ۷۷
جماعت یهود " " ۱۱۱	کناس " " ۷۸
پاره دوز " " ۱۱۲	نخت کش " " ۷۹

۱۸۰	مالیات صنف چخماق فروش	۲۱۳	مالیات صنف ماست بند
۱۸۱	دهنه کر	۲۱۴	شیرفروش
۱۸۲	طایفه نیای	۲۱۵	سیگاری
۱۸۳	خیک دوز	۲۱۶	خشکه بز
۱۸۴	شیشه کر	۲۱۷	لحاف دوز
۱۸۵	صراف	۲۱۸	حکاک
۱۸۶	حناساز	۲۱۹	سنگ تراش
۱۸۷	کرجی دوز	۲۲۰	مبل ساز
۱۸۸	کاروانسرا دار	۲۲۱	مرغ فروش
۱۸۹	خراز و سقط فروش	۲۲۲	کتابفروش
۱۹۰	دستمال فروش	۲۲۳	صحاف
۱۹۱	قنداق ساز	۲۲۴	مطابع
۱۹۲	میخ بر	۲۲۵	تیرفروش
۱۹۳	شکر قرمز	۲۲۶	عشور کوره بزی
۱۹۴	چوب فروش	۲۲۷	پول دود
۱۹۵	کاغذ فروش	۲۲۸	اظهار نامه کوره بزی
۱۹۶	ریخته گر	۲۲۹	مالیات صنف پوتین دوزی
۱۹۷	نیل فروش	۲۳۰	صنف زهابی دوز
۱۹۸	لباف	۲۳۱	چخماق ساز
۱۹۹	کله داری	۲۳۲	چهارشنبه بازار
۲۰۰	عیدی کله داری	۲۳۳	کرجی ولتکای سواحل کوچک و بزرگ
۲۰۱	غریبی ها	۲۳۴	دوده و دود کوره
۲۰۲	گمرک داخلی پنبه	۲۳۵	صنف نمیس دوز
۲۰۳	چرخ نابی	۲۳۶	چکمه دوز
۲۰۴	مراعی خلف خانی	۲۳۷	بهره دوز
۲۰۵	داروغگی	۲۳۸	قه ساز
۲۰۶	معدن سرب	۲۳۹	کچ بز
۲۰۷	روده نابی	۲۴۰	تفنک ساز
۲۰۸	خسکی بعنوان پنجه	۲۴۱	آجیده دوزی
۲۰۹	اجاره پای ستون پنجه علی	۲۴۲	کار داری
۲۰۰	خاشاک برداری	۲۴۳	آب پولی
۲۱۱	نظر داروغه		
۲۱۲	پوستین داروغه و غیره		

۲۴۴	مالیات احتسابیه
۲۴۵	صنف دلالی
۲۴۶	دست فروش
۲۴۷	بلم رانی
۲۴۸	صنف قالی باف
۲۴۹	سنگ کچ و آهک
۲۵۰	اجازه سوخت کوره های آجری و کچ و آهکی
۲۵۱	صنف جولا
۲۵۲	قولک قصائی
۲۵۳	صنف کرجی بافی
۲۵۴	مالیات چوب های مصرف شهری
۲۵۵	اصطبرخی
۲۵۶	داغ پولی
۲۵۷	رسوم سفره

۲۵۸	مالیات خانه دودی
۲۵۹	کدخدا پولی
۲۶۰	مالیات لحاف پولی
۲۶۱	سید صادق پولی
۲۶۲	پیله وری
۲۶۳	صنف چموش دوز
۲۶۴	مالیات صنف غسالخانه
۲۶۵	مالیات صنف شعر باف
۲۶۶	مالیات صنف قنایز باف
۲۶۷	مالیات ابریشم تاب و غیره

جدول فوق مشتمل بر دوپست و شصت و هفت قلم مالیات
ضمیمه ماده اول قانون الغای صنفی و مالیات سر شماری
بوده و صحیح است
سید محمد تدین : رئیس مجلس شورای ملی